

## شرایط غرور موجد مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس

قاسم شفیعی علویجه [gh.shafiee@yahoo.com](mailto:gh.shafiee@yahoo.com)

دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۲/۱۲

### چکیده

در این مقاله سعی شده است که به بررسی شرایط تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی پرداخته شود، زیرا یکی از منابع ضمان حسب حقوق ما که از فقه مأخوذ شده است قاعده غرور می باشد، فلذا در این بحث به تحلیل شرایط و ارکان آن از منظر دو حقوق مختلف (ایران و انگلیس) با تابعیت سیستم های حقوقی متفاوت مبادرت می گردد. منظور از مسئولیت مدنی مورد نظر، همانا کیفیت تحقق حق مطالبه خسارت از ناحیه شخص متضرر بر اثر غرور می باشد. حقوق ایران از حیث شرایط عمده ی تحقق غرور در مقایسه با حقوق انگلیس که حسب تأسیس حقوقی موسوم به توصیف خلاف واقع خدعه آمیز به آن می پردازد، تفاوت چندانی ندارد. وجوه افتراق عمدتاً مبتنی بر وجود ترک فعل در حقوق ایران و عدم آن در حقوق انگلیس و نیز عدم تأثیر علم شخص غار در حقوق ایران و ضرورت وجود آن در حقوق انگلیس به لحاظ ضمان ناشی از غرور می باشد.

**واژه های کلیدی:** غرور، سببیت، مسئولیت مدنی، توصیف خلاف واقع.

## مقدمه

یکی از مباحث مهم در زمینه مسئولیت مدنی، مبحث تأثیر غرور در تحقق آن می‌باشد. مسئولیت مذکور هر چند که واجد یک مفهوم وسیع اعم از قراردادی و غیرقراردادی می‌باشد، ولیکن در این مقال توجه اساساً معطوف به مسئولیت غیرقراردادی است. زیرا در این نوشتار محور بحث متمرکز بر روی اثر غرور در تحقق حق اخذ خسارت از ناحیه زیان دیده بر اساس مسئولیت مدنی غیرقراردادی می‌باشد.

هر چند که غرور واجد یک گستره وسیع می‌باشد، به نحوی که شامل تدلیس در زمینه قراردادی و غرور در مفهوم خاص در عرصه قراردادی می‌گردد، و در هر دو قسم، عنصر فریب ظاهر و بارز می‌باشد و نیز در هر دو قسم امکان تحقق مسئولیت مدنی وجود دارد، به گونه‌ای که در قسم نخست تجلی آن به صورت خیار تدلیس در قالب عقود در حقوق مدنی هویدا می‌باشد اما مصداق بارز آن را می‌توان در عقد بیع (ماده ۴۳۸ الی ۴۴۰ قانون مدنی) مشاهده نمود.

در قسم اخیر (غیرقراردادی) نیز مظهر عملی آن را می‌توان در ماده ۳۲۵ قانون مدنی که اشعار می‌دارد: «اگر مشتری جاهل بر غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند. اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد ...» مشاهده نمود، ولیکن در این نوشتار هدف بررسی شرایط و ارکان تحقق قسم اخیر (همانند قسم اخیر ماده ۳۲۵ اشعاری) می‌باشد. منظور آنکه سعی در تحلیل و تبیین شرایط آن از بُعد یک واقعه حقوقی موجد مسئولیت مدنی (و نه یک عمل حقوقی) بر مبنای مقایسه حقوقی دو کشور (ایران و انگلیس) به لحاظ تابعیت سیستم‌های حقوقی متفاوت می‌باشد. بر مبنای نکات فوق‌الذکر مطلب در سه بخش مورد مذاقه قرار می‌گیرد؛ در بخش نخست مفهوم غرور و شرایط لازمه آن به لحاظ تحقق مقوله مسئولیت مدنی (گرامت) از منظر حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش دوم به لحاظ ارائه جایگاه آن از موضوع نظام‌های حقوقی دیگر، به بررسی بارز یکی از نظام‌های حقوقی غالب جهان (حقوق انگلیس در سیستم حقوقی کامن لو) پرداخته می‌شود. منظور امعان نظر در مفهوم و شرایط غرور موجد مسئولیت مدنی وفق حقوق مذکور می‌باشد.

در نهایت به مقایسه نهاد غرور موجد مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس پرداخته می‌شود.

**بخش نخست: مفهوم و شرایط تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی (گرامت) حسب حقوق ایران**  
طرح بحث: جایگاه قاعده غرور در حقوق ایران از این جهت که با قاعده تدلیس شباهت نزدیکی دارد تشخیص و تفکیک آن به لحاظ آثار مترتب بر آن از حیث حقوق ایران از اهمیت خاص برخوردار می باشد.

شباهت هر دو تأسیس به حدی است که ممکن است موهم این امر باشد که هر دو آنها از لحاظ مفهوم و آثار حقوقی یکسان می باشند. در حالی که چنین همسانی و وحدتی وجود ندارد و لذا در این مبحث هدف بر آن است که بدواً به تشریح مفهوم قاعده غرور و متعاقباً به مقایسه آن با تأسیس تدلیس از حیث وجوه اشتراک و افتراق پرداخته شود.

#### **مبحث اول: مفهوم غرور**

تأسیس غرور مانند هر تأسیس حقوقی دیگر واجد یک سیر تحولی از لحاظ مدلول و مفهوم بوده است. به بیان دیگر واجد یک مفهوم بدوی و متعاقباً متحول حسب نیاز حقوقی بوده است، به گونه‌ای که مطالعه سیر تحول آن می‌تواند تأثیر شایانی در شناخت تأسیس مزبور (موضوع غرور مورد بحث) داشته باشد. وانگهی به نظر می‌رسد برای ادراک بهتر مفهوم مزبور مقایسه آن با نهاد مشابه (تدلیس) می‌تواند بسی موثر باشد. از این رو به تبیین و شرح مفهوم آن از چهار جنبه لغوی، فقهی، حقوقی و مقایسه با نماد تدلیس مبادرت می‌گردد.

**۱. مفهوم لغوی:** حسب نظر اهل لغت، غرور مدلولی بدین شرح دارد: ۱- «خدعه و اطعمه الباطل» (علامه بن منظور، ۹۷)؛ ۲- «خدعه و جعله یطمع بالباطل» (جبران مسعود، ۱۳۷۹، ۴۹۸). ۳- «خدعه و اطعمه بالباطل...» (الشرتونی، ص ۸۸۶) ۴- «خدعه و اطعمه بالباطل» (ابن یعقوب فیروز آبادی، ۴۰۵).

وفق تعاریف مذکور مشخص می‌گردد که غرور حسب دلالت لغوی واجد یک نوع فریفتن و گول زدن شخصی به امور ناروا و ناشایسته می‌باشد.

**۲. مفهوم فقهی:** از منظر فقه غرور بدین شروح تعریف شده است:

"از نظر فقها قاعده غرور عبارت از آن است که شخصی کاری را انجام دهد که موجب وارد شدن ضرر به دیگری گردد و متضرر شدن شخص دوم به سبب فریب خوردن وی از شخص اول باشد، هر چند شخص اول قصد فریب دادن شخص اخیر را نداشته و خودش نیز فریب خورده یا آگاه و در اشتباه بوده باشد." (بجنوردی، ۱۳۸۶، ۲۶۹)

"هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث گول خوردن شخصی دیگری بشود و ضرر و زیان متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده (غرور) ضامن است و باید از عهده خسارات وارده بر آید." در تعریف فوق گفته نشده هر کس دیگری را گول بزند، بلکه گفته شده اگر از شخص عملی صادر گردد که آن عمل موجب ضرر و زیان بر دیگری بشود. (محقق داماد، ۱۳۷۴، ۱۷۱)

برای تحقق غرور بایستی شخص به اصطلاح غار، آگاه از واقعیت امر یعنی فریب‌آمیز بودن قضیه باشد. زیرا غرور یعنی تدلیس می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۵۷) به بیان دیگر حسب این نظر مفهوم فقهی غار بدین گونه است که شخص از عمل فریب‌آمیز آگاهی داشته باشد و عمل مزبور سبب خسارت به دیگری (شخص متضرر فریب خورده) شود.

بر مبنای تعاریف فوق مشخص می‌شود که دو مفهوم راجع به غرور وجود دارد: الف- آنکه شخص به لحاظ رابطه سببیت با عمل فریب‌آمیز، متضرر شود، هر چند که شخص متناسب الیه فعل، آگاه به خدعه آمیز بودن عمل مزبور نباشد. ب- حسب مفهوم غرور فقهی شرط تحقق فریب و بالمآل حدوث ضرر و اسناد آن به شخص متناسب الیه فعل، از لحاظ ضمان وی آگاهی و علم وی نسبت به خدعه‌آمیز بودن عمل مزبور می‌باشد.

**۳. مفهوم حقوقی:** از این منظر می‌توان به دو تعریف ذیل اشاره نمود:  
" ... هر کس دیگری را به امری مغرور کند (بفریبد) و از این راه زانی به او برساند، ضامن جبران خسارت است." (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۵۷)

"غرور وصف تصرف در عین مال معین است به فریب غیر که موجب ضمان فریبکار گردد." (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۱۵۳) حسب تعاریف مزبور شرط تحقق غرور از منظر حقوق، حدوث فریب از شخص است به گونه‌ای که در فرد دیگر، موثر افتاده و او را بر اثر فریب متضرر نماید.<sup>۱</sup>

**۴. مقایسه غرور با تدلیس:** نهاد غرور با تدلیس دارای وجوه اشتراک و اختلافی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. توضیح بیشتر در مبحث شرایط غرور موجد مسئولیت مدنی بیان خواهد گردید.

### الف) وجوه اشتراك:

۱) همان طور که قبلاً گفته شد در هر دو قسم عنصر فریب و نیرنگ وجود دارد.

۲) در هر دو قسم مسئولیت مدنی برای عامل ورود ضرر وجود دارد.

### ب) وجوه اختلاف:

- ۱- تدلیس مختص به اعمال حقوقی (عقد) مستفاد از وحدت ملاک خیار تدلیس (مواد ۴۳۸ مدنی به بعد) می باشد، در حالی که غرور فقط مختص به واقعه حقوقی حسب وحدت مناسط مستفاد از ماده ۳۲۵ (عدم تنفیذ بیع مشتری جاهل به غضب از ناحیه مالک) و ماده ۳۹۱ قانون مدنی (مستحق للغیر درآمدن مبیع) می باشد زیرا با عدم تنفیذ بیع مزبور از ناحیه مالک مبنای رجوع مشتری برای غرامت به بایع من باب واقعه حقوقی موجب ضمان می باشد.
- ۲- در تدلیس با توجه به ماده ۴۳۸ به بعد فقط حق انحلال عقد به عنوان راه جبران خسارت وجود دارد، ولیکن در غرور مستفاد از مادتين ۳۲۵ و ۳۹۱ قانون مدنی اشعاری حق اخذ غرامت برای شخص متضرر مغرور وجود دارد.

### مبحث دوم: شرایط تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی از منظر حقوق ایران

- برای کشف شرایط غرور موجد مسئولیت مدنی مورد نظر مادتين ۳۲۵ و ۳۹۱ مزبور و غیره به نظر می رسد باید به فقه رجوع نمود، زیرا به نظر می رسد مقنن در وضع آنها از فقه اقتباس نموده است. لذا بر مبنای آن به بررسی شرایط مزبور پرداخته می شود.
- ۱- نوع اقدام موجب غرور موجد ضمان به نظرمی رسد با توجه به مصادیق ذکر شده (فروش مال غیر، (حسینی مراغه ای، ۱۴۲۹، ج ۲، ۴۴۰، مصطفوی، ۱۷۷) تقدیم طعام غیر به شخص ثالث و غیره) و نیز تأکید بر عامل وجود ضمان بر اثر فعل شخص غار در فقه مقصد به خصیصه خاصی (فعل، قول و غیره) نباشد. فلذا بر این مبنای با عنایت به موضوع سببیت به نظر می رسد ترک فعل نیز می تواند در صورت تحقق شرایط منجر به فریب موجب ضمان بر مبنای غرور گردد.
  - ۲- شخص مغرور می بایست آگاه از واقعه فریب آمیز موجد خسارت نباشد. (نجفی، ۱۳۸۵، ج ۳۶، ۳۷، بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲۶۹) به بیان دیگر در تحقق ضمان قهری بر اساس غرور و رجوع فرد مغرور (متضرر) به شخص غار معمولاً عدم آگاهی وی نسبت به واقعه مزبور شرط و رکن اساسی می باشد. به عنوان مثال می توان به فرع فقهی اشاره نمود که حسب آن شخص متلف مال غیر و تأدیه کننده خسارت مربوطه، فقط در صورت جهل به واقعیت امر (عمل

فریب‌آمیز) حق رجوع جهت جبران خسارت مذکور به شخص مسبب فریب را دارا می‌باشد (نجفی، ۱۳۸۵، ۳۶).

۳- عمل موجد مسئولیت مدنی شخص مغرور نسبت به مال غیر می‌بایستی ناشی از داعیه جهل باشد، منظور آنکه جهل به واقع امر داعیه اتلاف یا سلطه‌ی ضمانی شخص مغرور نسبت به غیر باشد. این امر از فروع فقهی مربوطه مشخص می‌گردد، برای نمونه می‌توان به این فرع اشاره نمود که حسب آن شخص مال غیر را بر مبنای فریب به عنوان مال خود به دیگری هبه می‌نماید. شخص متهب (مغرور) به داعیه اینکه مال مزبور بر مبنای هبه در تملک وی درآمده است، آن را اتلاف می‌نماید. (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۴۴۰) در اینجا مبنای مسئولیت وی نسبت به صاحب مال همانا جهل ناشی از داعیه مزبور می‌باشد. به بیان دیگر یکی از مبانی حق رجوع شخص متضرر مغرور، ورود ضرر ناشی از جهل منبعث از داعیه مزبور می‌باشد.

۴- در راستای شرط قبلی رابطه سببیت بین عمل شخص غار و فریب مزبور می‌بایستی وجود داشته باشد. این امر از تعاریف فقهی غرور در مبحث پیشین آشکار گردید. مضافاً آنکه برخی از فقها (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۲۹، ۳۶) آن را به عنوان یکی از ضابطه‌های ضروری غرور به صراحت بدین سان ذکر می‌نمایند: "کل غرامت وردت علی جاهل بالواقع منشأها شخص آخر به حیث کان تدلیسه سبباً لذلک فهو ضامن لها". در حقیقت این شرط کفه دیگر شرط پیشین می‌باشد. به صورتی که می‌توان هر دو را در این عبارت ضابطه‌ای بیان نمود: "هی عبارت عند الفقهاء عن صدور الفعل عنه اوجب الغرور علیه بواسطه انخداعه عن آخر..." (بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲۶۹)

در دکتترین نیز رابطه سببیت مزبور مورد تأیید قرار گرفته است. (ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹؛ داراب پور، ۱۳۸۷، صص ۲۵۹-۲۶۰).

۵- شرط دیگر راجع به وضعیت تأثیر علم یا عدم علم شخص غار در مقوله فریب مزبور می‌باشد. در این خصوص در فقه دو دیدگاه وجود دارد:

الف- برای تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی شخص غار، لازم است که وی از آن آگاه باشد. عمده دلیل آن بدین صورت ذکر شده است که اصولاً غرور با علم محقق می‌شود، زیرا غرور به معنای خدعه می‌باشد (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۳۶۴) و خدعه ظاهراً فقط با جمع دو عامل علم شخص غار و جهل شخص مغرور محقق می‌شود. (خوئی، مصباح الفقاهه، ج ۳، ۱۰۰،

مصطفوی، القواعد، ۱۷۸) به بیان دیگر غرور به معنای تدلیس و خدعه می‌باشد. (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ۱۲۰، همو، ۱۴۱۸، ج ۴، ۲۱۶).

ب- برای وقوع غرور موجب ضمان، علم یا عدم علم شخص غار ضرورتی ندارد. دلیل آن است که فعل شخص غار، فرد مغرور را فریب داده است. (مراغه ای، ۱۴۲۹، ج ۲، ۴۴۱) به بیان دیگر برای تحقق غرور موجب مسئولیت مدنی صرف وجود رابطه علیت بین فعل غار و فریب شخص مغرور کفایت می‌کند و دیگر پرداختن به مقوله علم شخص غار، سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد.

راجع به تأثیر قصد شخص غار نیز دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول- عمد و قصد شخص غار برای تحقق غرور موجب مسئولیت اساسی است، زیرا غرور به معنی خدعه می‌باشد. (موسوی خمینی، همان) به بیان دیگر به لحاظ خدعه بودن ماهیت غرور، شرط عامد بودن شخص غار، ضروری برای تحقق غرور اشعاری می‌باشد.

دیدگاه دوم - عمد و قصد شخص جهت تشکیل غرور موجب ضمان، ضروری نمی‌باشد: زیرا اولاً غرور از سنخ عناوین افعال می‌باشد که قصد در آن ملاک نیست. همانند عمل ضرب شخص، که با زدن صدق می‌کند، هر چند که شخص ضارب قاصد در ضرب نباشد. ثانیاً صرف رابطه سببیت یعنی ضرر وارده به شخص مغرور و وقوع فریب از ناحیه شخص دیگر، کافی در جهت تحقق غرور می‌باشد، اعم از اینکه شخص مذکور قاصد در فریب مزبور باشد یا نباشد. (بجنوردی، ۱۳۸۶، صص ۲۶۹، و ۲۷۸ الی ۲۸۰)

به نظر می‌رسد که نظر گروه قائل به عدم تأثیر قصد و علم در تحقق غرور موجب ضمان، اقرب به واقعیت می‌باشد، زیرا در مقوله مسئولیت مدنی عمدتاً بر خلاف مقوله کیفری عنصر قصد و علم دخالت چندانی ندارد، فلذا بر این مبنا صرف وجود رابطه سببیت بین فعل شخص و تحقق فریب موجب زیان نسبت به شخص مغرور کافی به مقصود باشد. اعم از اینکه فاعل فعل موجب فریب و بالمآل زیان، آگاه یا قاصد به وصف فریب فعل اشعاری باشد یا اینکه نباشد.

از همین رو، با توجه به توضیحات فوق‌الاشاره می‌توان گفت که شرایط تحقق غرور موجب مسئولیت مدنی حسب حقوق ایران بدین سان می‌باشد:

۱- شخص مغرور می‌بایستی جاهل نسبت به واقعیت غرور آمیز باشد. در غیر این صورت بر مبنای اقدام، خود ضامن خسارات وارده می‌باشد.

۲- شرط جواز جبران خسارات وارده به شخص مغرور آن است که وی جاهل به داعیه و انگیزه اتلاف یا ید ضمانی نسبت به مال غیر باشد. در غیر این صورت باز هم بر مبنای اقدام خود مسئول می‌باشد.

۳- علاوه بر شرط قبلی، می‌بایستی رابطه سببیت بین عمل شخص غار و غرور مزبور موجود باشد. فلذا اگر شخص مزبور به علت دیگر غیر از فعل شخص غار، فریب خورده و متضرر شده است، در این صورت نمی‌تواند از این حیث مطالبه غرامت از شخص مزبور بنماید.

۴- از فروعات رابطه سببیت مزبور آن است که وجود عنصر علم و قصد از ناحیه‌ی شخص غار در انتصاب مسئولیت به وی دخیل نمی‌باشد، بلکه همان طور که در فوق گفته شد، همین که بین فعل وی و واقعه فریب زبان‌بار رابطه علیت باشد کافی جهت احراز مسئولیت وی می‌باشد.

۵- بر مبنای رابطه سببیت مستند ضمان ناشی از غرور، در حقوق ایران می‌توان گفت که عمل فریبنده شخص غار، اعم از فعل و ترک فعل می‌باشد.

### بخش دوم: مفهوم و شرایط تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی از منظر حقوق انگلیس

طرح بحث: یکی از مسائل مهم و غامض در حقوق تطبیقی، یافتن تأسیس حقوقی مشابه با نهاد بومی (بالاخص فقهی) است؛ به نحوی که تأسیس حقوقی بیگانه نزدیک ترین آثار را با نهاد بومی داشته باشد.

برخی از حقوقدانان در انجام این مهم دقت مقتضی را به عمل نیاورده اند برای مثال در خصوص نهاد مشابه غرور، فقط اشاره اجمالی به تأسیس حقوقی<sup>۱</sup> حسب حقوق انگلیسی نموده اند بدون اینکه حدود و ثغور هر دو تأسیس در مقایسه مشخص گردد. (اوصیاء، ۳۰۳، ۱۳۸۱)

علی هذا در این مبحث در حد توان سعی شده است که به بررسی تطبیقی قاعده مشابه قاعده غرور در حقوق انگلیس<sup>۲</sup> می‌باشد، پرداخته شود.

- 
1. Misrepresentation
  2. Fraudulent misrepresentation



### مبحث اول: مفهوم غرور

اصولاً مفهوم غرور در حقوق انگلیس از مصادیق توصیف خلاف واقع خدعه آمیز می‌باشد. توضیح آنکه در حقوق انگلیس بدواً هر گونه توصیف خلاف واقع موجب مسئولیت مدنی فقط تحت عنوان توصیف خدعه‌آمیز مذکور به منصفه ظهور می‌رسید ولیکن سرانجام قبل از دهه ۶۰ میلادی به تدریج دو قسم دیگر از توصیف خلاف واقع، یعنی توصیف خلاف واقع سهل‌انگارانه<sup>۱</sup> و توصیف خلاف واقع توأم با بیگناهی<sup>۲</sup> پای به مرحله وجود گذاشت. یعنی برای دو جنبه اخیر هم مسئولیت مدنی از نوع ضمان قهری قائل شده‌اند و از این حیث مسئولیت قهری بر مسئولیت قراردادی در آنها غلبه و برتری پیدا نمود. (Harvey, Mc Gregor, P.1148-51) برخی از حقوقدانان ایران تقسیم بندی فوق را با عنوان حقوقی سوء عرضه تشریح نموده‌اند (دکتر درویش خادم تدلیس، ص ۱۸ و ۱۹) مقصود از توصیف خلاف واقع سهل‌انگارانه آن است که در آن عنصر تقلب و عدم صداقت وجود ندارد، بلکه بر اساس بی‌پروایی و بی‌مبالاتی یا غفلت می‌باشد. به بیان دیگر مسئولیت ناشی از آن بر اساس یک نوع وظیفه مراقبت و مواظبت می‌باشد که شخص بر اساس تقصیر غیر عمدی آن را انجام نمی‌دهد. (C.F. Padfield, et al, 1975, PP.156-157) منظور توصیف توأم با بیگناهی آن است که شخص در موقع توصیف امر، دلایل معقول دارد که حسب آن اعتقاد داشته که توصیفات وی صحیح بوده است که در اینجا به لحاظ دلایل معقول مزبور، توصیف خلاف مذکور را توصیف توأم با بیگناهی می‌گویند. به بیان دیگر هر چند که توصیف اشعاری، خلاف واقع می‌باشد ولی به دلیل باور عاری از سوء نیت موسوم به توصیف عاری از سوء نیت و توأم با بیگناهی می‌باشد.

اما همان طور که در فوق گفته شد، از مقوله ضمان ناشی از غرور در حقوق انگلیس تحت عنوان توصیف خلاف واقع یاد می‌شود که در آن عنصر فریب و خدعه<sup>۳</sup> نقش اساسی ایفا می‌نماید. (Elizabeth, A. Martin, A Concise Dictionary of Law P.261)

عنصر فریب مزبور به دو صورت متجلی می‌شود: ۱- فرد می‌بایستی آگاه باشد که توصیف مزبور اشتباه و عاری از صحت است. ۲- فرد بایستی راجع به صحت و سقم توصیف مزبور

1. Negligent misrepresentation
2. Innocent misrepresentation
3. Deceit

بی پروا و بی مبالا باشد. منظور آنکه با هشیاری و التفات تام ملاحظه توصیف خود را از حیث درستی یا نادرستی آن نمی نماید. به بیان دیگر نسبت به مقوله صحت یا عدم صحت آن کاملاً بی تفاوت می باشد. (W.V.H.Rogers. 1994. PP.288-89)

توصیف خلاف واقع مزبور می تواند به صورت شفاهی یا مکتوب باشد و یا آنکه به صورت رفتار و عمل محقق شود. (W.V.H.Rogers, Op. Cit.281.) منظور از رفتار و عمل آن است که شخص توصیف کننده بر مبنای رفتار محاسبه شده طوری عمل نماید که شخص طرف توصیف را بفریبد به نحوی که با اجتماع شرایط دیگر دعوی مسئولیت مدنی و نیز وجود صراحت کافی از جهت توصیف خلاف واقع مزبور، وی به لحاظ ارتکاب عمل توصیف خلاف واقع خدعه آمیز مسئول شناخته شود. (W.V.H.Loc. cit; W.Page Keeton etal, 1984, P.132)

#### مبحث ب - شرایط تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس

به لحاظ تحقق واقعه حقوقی غرور موجد مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس (توصیف خلاف واقع خدعه آمیز) به نظر می رسد وجود شرایط ذیل ضروری می باشند:

۱- وجود صراحت کافی در انواع مختلف بیان توصیف (قول، فعل، کتابت) برای شخص طرف توصیف اولین شرط ضروری می باشد. فلذا خواهان (شخص متضرر) می بایست ثابت نماید:

الف - مفهومی را فی المثل از قول یا رفتار توصیف کننده فهمیده است. ب - مفهوم مزبور غلط و نادرست می باشد. ج- توصیف کننده قصد داشته است که او آن را در همان مفهوم درک کند و بفهمد و یا آنکه عالماً و عامداً از یک مفهوم دوپهلوی به قصد فریب او استفاده نموده باشد. فلذا اگر خواننده دعوا توصیف دوپهلویی را استفاده کند، ولیکن علم به طریقه درک خواهان از آن نداشته باشد و یا آنکه علم داشته باشد، ولیکن در استعمال توصیف خلاف واقع مزبور، حسن نیت داشته باشد و یا همچنین سهواً و به صورت اشتباه آمیز، توصیف مزبور را نموده باشد، در این صورت آن توصیف نمی تواند از مصادیق توصیف خلاف واقع خدعه آمیز شناخته شود. (W.V.H.Rogers. Op.cit.PP.287-88.)

۲- نوع توصیف موجد مسئولیت مدنی مزبور می بایستی به صورت فعل و ایجابی باشد. لذا سکوت علی القاعده به جز در موارد استثنائی نمی تواند موجد مسئولیت مدنی باشد. (W.Page Keeton, Op.cit. P.732.) نمونه قضیه مبتنی بر عدم مسئولیت نسبت به سکوت در حقوق انگلیس وفق قضیه موسوم به (Hands V. Sipsonfawcett) می باشد که

حسب آن شخصی که وارد به شغل بازاریابی است و در موقع تقاضای شغل مزبور این واقعیت را که قبلاً محکومیت‌های جدی به خاطر رانندگی داشته افشاء نمی‌کند (سکوت می‌کند) حسب حکم محکمه، مرتکب عمل توصیف خلاف واقع اشعاری شناخته نگردیده است. اما این قاعده عام مانند هر قاعده عام دیگر استثنائاتی دارد که حسب حقوق کامن لا استثناءات آن به شرح ذیل می‌باشد.

الف - وقتی که شخص، توصیف مطابق با قوانین می‌نماید ولیکن پس از آنکه فرد طرف توصیف اقدام به عمل، حسب آن توصیف می‌نماید، توصیف مزبور تبدیل به توصیف ناصحیح می‌گردد، در این صورت سکوت وی و عدم بیان واقعیت امر می‌تواند وی را مشمول مسئولیت مدنی ناشی از عمل توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز بنماید (W.V.H.Rogers. Op. cit. (PP.284-85) اما بالعکس آن هم قابل تصور است، بدین سان که شخصی عالماً و عاملاً توصیف خلاف واقع بنماید، به بیان دیگر توصیف خدعه‌آمیز بنماید، ولیکن حسب مورد قبل از آنکه شخص طرف توصیف، اقدامی حسب توصیف مزبور بنماید، توصیف مزبور تبدیل به واقع می‌گردد و صحیح می‌شود. در اینجا هر چند که شخص توصیف کننده سوء نیت داشته است، ولیکن مطابق با واقع شدن امر، تحقق ارتکاب عمل توصیف خلاف واقع مذکور را منتفی می‌نماید. (W.V.H. Loc. Cit.) نمونه قضیه آن در حقوق انگلیس موسوم به (Ship v. Crasski) می‌باشد که حسب آن شرکتی بر خلاف واقع اعلام کرده بود که بیش از نیمی از سرمایه شرکت پذیره نویسی شده است، ولیکن بعداً، و قبل از مطالبه خواهان برای سهامش، سرمایه شرکت بدان میزان رسید. رأی دادگاه آن بود که عمل توصیف خلاف واقع موجب مسئولیت مدنی واقع نشده است.

ب - وقتی که سکوت شخص بر مبنای حسن نیت باشد او می‌تواند مطالبه خسارت بنماید، ولیکن اگر سکوت وی به لحاظ قصد فریب و گمراهی نسبت به شخص دیگر باشد و یا اینکه رفتار وی به صورت امر غیرمتعارف از نوع ترک فعل باشد در اینجا خسارت وارده را باید خود شخصاً تحمل بنماید. مثال آن بدین صورت است که شخصی اطلاع پیدا می‌نماید که فرد دیگری در حال فروش مال او به کسی می‌باشد ولیکن وی از این حیث سکوت می‌نماید و هیچ مطلبی اظهار نمی‌کند در اینجا حسب قانون استاپل که شاخه‌ای از نهاد توصیف خلاف واقع می‌باشد، او موظف به سخن گفتن است و سکوت او باعث می‌شود که از حق گفتن حقیقت و واقعیت امر متعاقب (به لحاظ اخذ خسارت) محروم گردد. (W.Page. Keeton et al. Op.cit. p.734) نکته مهم آنکه در حقوق آمریکا، وفق ملاک عدالت و انصاف،

صرف سکوت، در جایی که مغایر آن تلقی شود می‌تواند از مصادیق توصیف خلاف واقع و بالمآل موجب خسارات و مسئولیت مدنی متعاقب آن شود. ( John, Adams et al. 1988, ) (P.134)

ج - موقعی که سکوت شخص برخلاف رابطه امانی و اعتماد و صداقت همانند اعتماد و صداقت بین دوستان قدیمی باشد. مثال آن در ضمان قهری ناشی از غرور بدنیشان می‌تواند باشد که فی‌المثل شخصی گاو خود را گم کرده است. و سپس گاوی را در کنار دوستش در منطقه‌ای مشاهده می‌کند و از دوستش راجع به مالکیت گاو می‌پرسد و دوست وی علی‌رغم آنکه می‌داند گاو متعلق به شخص مزبور نیست من باب سوء نیت و برخلاف رابطه صداقت سکوت می‌کند. آنگاه متعاقباً گاو را ذبح می‌نماید. در اینجا مالک گاو مزبور می‌تواند بر مبنای ضمان قهری ناشی از توصیف خلاف واقع فوق‌الذکر، از او مطالبه خسارت بنماید.

۳- شرط دیگر در ارتباط با قصد شخص توصیف کننده می‌باشد. زیرا همان طور که در مبحث مفهوم توصیف خلاف واقع خدعه آمیز گفته شد، برای تحقق آن، شخص توصیف کننده می‌بایستی قصد فریب داشته باشد و یا اینکه بی‌اعتنا نسبت به صدق یا کذب آن باشد. به عبارت دیگر برایش مهم نیست که توصیف اشعاری صحیح یا کذب باشد. در خصوص گستره قصد مزبور به نظرمی رسد ذکر نکات ذیل ضروری باشد:

الف - اگر هدف از توصیف صرفاً بیان عقیده و نظر خود باشد، در این صورت عمل توصیف مذکور نمی‌تواند از مصادیق توصیف خلاف واقع موجب مسئولیت تلقی گردد. چون قصد از بیان توصیف اشعاری هرگز همان قصد فریب و گمراهی و امثال آن نبوده‌است. نمونه عمل آن در قضیه موسوم به (Derry V. Peek) در حقوق انگلیس به وقوع پیوسته است. حسب قضیه اشعاری، مدیران شرکت تراموای در دفترچه راهنمای سهام به غلط اظهار نموده بودند که آنها حسب قانون مصوب پارلمان دارای حق استفاده از نیروی بخار یا مکانیک برای به حرکت در آوردن تراموای شرکت می‌باشند. در واقع اعطای چنین مجوزی منوط به موافقت هیأت دولتی تجار بود. مدیران مذکور صادقانه ولیکن بر مبنای اشتباه مورد نظر توصیف اشتباه‌آمیز اعتقاد داشتند که تحصیل مجوز مزبور صرفاً یک عمل شکلی و تشریفاتی می‌باشد.

هیأت تجار مزبور متعاقباً از اعطای مجوز برای استفاده از نیروهای اشعاری به جز در موارد خاص نسبت به ترامواها خودداری می‌ورزد. در نتیجه شرکت منحل می‌گردد. اقامه دعوی از سوی خریدار سهام آن بر مبنای توصیف خلاف واقع خدعه آمیز به طرفیت مدیران آن مطرح می‌گردد. دعوی در محکمه بدوی رد می‌گردد ولی در محکمه استیناف براین مبنا که صرف

وجود تقصیر برای تحقق عمل توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز کافی می‌باشد، رای به نفع خریدار صادر می‌شود و لیکن بر مبنای فرجام خواهی، مجلس اعیان انگلیس رای محکمه استیناف را نقض می‌کند. مبنای نقض رای این بوده که مدیران اشعاری فقط به لحاظ حسن نیت و صداقت، نظر خود را نسبت به قانون بیان داشته‌اند یعنی اعتقاد و باور خود را به قانون اشعاری بیان نموده‌اند.

ب - فقط اشخاصی که طرف خطاب توصیف مذکور می‌باشند، می‌توانند در صورت تحقق شرایط، اقامه دعوی مطالبه خسارت بر مبنای توصیف اشعاری بنمایند. لذا اگر قصد مسئولین شرکتی در اعلام وضعیت سرمایه شرکت فقط معطوف به سهامداران اولیه آن باشد و در این اعلام وضعیت مرتکب توصیف خلاف موجد خسارت مدنی شوند، در اینجا فقط سهامداران اولیه می‌توانند مطالبه غرامت از این حیث بنمایند و اشخاص ثالث خریدار محق در مطالبه غرامت مزبور نمی‌باشند.

ج - صراحت، شرط ضروری جهت بیان قصد مزبور نمی‌باشد، بلکه صرف اطلاع شخص توصیف کننده از قصد طرف توصیف هم کافی برای مطالبه غرامت از ناحیه شخص ثالث به جهت ضمان ناشی از زیان منبعث از توصیف مزبور می‌باشد. نمونه عملی آن در حقوق انگلیس را می‌توان در قضیه *Langhide v. Leery* مشاهده نمود که در اینجا فروشنده، تفنگ معیوبی را به پدر شخص مصدوم می‌فروشد و بر مبنای توصیف خلاف واقع ادعا می‌نماید که تفنگ سالم است. در اینجا هرچند شخص فروشنده هیچ رابطه قراردادی با شخص مصدوم نداشته است ولیکن چون از گفتار خریدار مطلع بوده که خرید تفنگ برای پسرش (شخص مصدوم) بوده است، لذا دادگاه او را محکوم به تادیه خسارت به مصدوم (پسر) بر مبنای توصیف خلاف واقع می‌نماید. به بیان دیگر وفق این قضیه یک نوع رای ضمان قهری ناشی از غرور حسب نهاد توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز مزبور علیه شخص فروشنده توسط دادگاه صادر می‌گردد.

د - طریقه اعلام توصیف مزبور لازم نیست که بصورت مستقیم معطوف به شخص طرف توصیف باشد. بلکه حقوق انگلیس به جهت دفع تقلب حتی توصیف به صورت غیرمستقیم را نیز کافی جهت تحقق مسئولیت شخص مزبور می‌داند. لذا اگر مثلاً شخص الف توصیف خلاف واقعی را در مقابل شخص ب بنماید ولیکن قصدش آن است که شخص ج بشنود و بر مبنای آن عمل بنماید نمی‌تواند بعداً جهت دفع مسئولیت ادعا نماید که هدف

توصیف مذکور فقط شخص ب می‌باشد و نه شخص ج. نمونه عملی آن در قضیه Commercial Banking Co V. R. H. Brown Co حکم داده شده است.

و - برای تحقق علم توصیف خلاف واقع مورد بحث، صرف علم و آگاهی شخص توصیف‌کننده کافی می‌باشد و دیگر لازم نیست که وی قصد ایراد ضرر به معنای خاص را داشته‌باشد. به بیان دیگر، برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز، ظهور قصد اضرار در معنای خاص حقوقی آن از ناحیه شخص توصیف‌کننده ضروری نمی‌باشد.

۴- شرط دیگر ضروری برای تحقق توصیف خلاف واقع موجد مسئولیت مدنی آنست که خواهان (متضرر) بر مبنای توصیف مزبور، اعتماد، اقدام و عمل نموده باشد. به بیان دیگر باید یک نوع رابطه سببیت بین اعتماد و اقدام موجد زیان به طرف توصیف و توصیف مزبور وجود داشته باشد.

نکته مهم آنکه قصور شخص طرف توصیف از تحقیق راجع به صحت و سقم توصیف مزبور حسب حقوق انگلیس مانع از تحقق مسئولیت مدنی ناشی از توصیف مزبور نمی‌گردد. نمونه رای قضایی آن در حقوق انگلیس در قضیه موسوم به *Venezuelar v. Kisch* صادر گردیده است. رای اشعاری هرچند که ناظر بر توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز قرارداد می‌باشد ولیکن از وحدت ملاک آن (توصیف خدعه‌آمیز) در ضمان قهری هم استفاده می‌شود. حسب قضیه مزبور، مدیران شرکتی از طریق دفترچه راهنمای شرکت، توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز نسبت به دارایی شرکت می‌نمایند و نیز ذکر می‌گردد که مدارک جهت بررسی واقع امر در دفتر شرکت موجود می‌باشد و لیکن سهامداران مغرور (فریب خورده) اقدامی در جهت بررسی مذکور نمی‌نمایند. محکمه بر مبنای توصیف مزبور (قطع نظر از قصور سهامداران مزبور) مدیران را ضامن خسارت وارده به سهامداران مزبور می‌نماید.

۵- در راستای شرط بند اخیرالذکر باید گفت که اعتماد و اطمینان می‌بایست به صورت متعارف و معقول باشد. لذا اگر به خاطر اعتماد به توصیف کسی که عدم صلاحیت وی به علل اجتماعی و غیره کاملاً مشهود است عملی واقع شود، اعتماد و اطمینان مزبور (به علت تقصیر) مانع از تحقق مسئولیت مدنی ناشی از توصیف مزبور می‌گردد. ولیکن از این حیث ضروری نیست که حتماً توصیف مزبور تنها عامل اساسی در جهت اعتماد و اقدام خواهان (متضرر) باشد، بلکه همین که در کنار سایر عوامل یک عامل مهم در ترغیب و تشویق خواهان (طرف

توصیف) نسبت به اعتماد و اقدام مزبور باشد، از حیث طرح دعوی مسئولیت ناشی از توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز کفایت می‌نماید.

۶- در نهایت، شرط اساسی دیگر جهت تحقق مسئولیت مدنی ناشی از توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز، عدم علم شخص طرف توصیف به خلاف واقع بودن توصیف مزبور می‌باشد. لذا اگر وی مطلع از آن باشد، این امر حسب نهاد حقوقی عام رافع مسئولیت در کامن به معنای پذیرش ارادی خطر است که مانع از پذیرش دعوا برای مطالبه خسارت از ناحیه خواهان به لحاظ توصیف مزبور می‌گردد.

علی‌هذا بر مبنای مطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت که شروط تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی حسب حقوق انگلیس (توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز) بدین شرح می‌باشند:

۱- توصیف مزبور که به سه صورت (قول، فعل و کتابت) ممکن است، می‌بایستی صراحت کافی برای شخص مغرور (طرف توصیف) داشته باشد.

۲- نوع توصیف مزبور می‌بایستی به صورت فعل ایجاد باشد. لذا سکوت فقط در حالات خاص و استثنایی می‌تواند، موجد مسئولیت مدنی بر مبنای توصیف اشعاری شود. فی‌المثل شخص بدواً توصیف صحیحی از امری بنماید ولیکن متعاقباً به علتی توصیف مزبور به جهت تغییر در موضوع آن، تبدیل به توصیف خلاف واقع گردد. در این صورت سکوت و عدم بیان آن از ناحیه شخص توصیف‌گر مزبور می‌تواند مشمول عنوان توصیف خلاف واقع خدعه‌آمیز شود.

۳- فقط اشخاصی که طرف توصیف مزبور می‌باشند، می‌توانند به عنوان مغرور به لحاظ تضرر مطالبه خسارت بنمایند. به بیان دیگر قصد توصیف کننده، توجه توصیف به آنها می‌باشد. ولیکن تصریح به اشخاص حسب قصد توصیف کننده ضروری نمی‌باشد. به بیان دیگر لازم نیست که شخص توصیف کننده به صراحت برای اشخاص مطمع نظر قصد توصیف خود را بیان نماید. حتی می‌توان گفت که صرف اطلاع از قصد طرف توصیف (از حیث شخص) و به تبع مبادرت به توصیف از ناحیه شخص توصیف‌گر به مثابه لحاظ آن در قصد وی می‌باشد. برای نمونه در قضیه تفنگ معیوب فوق‌الاشعار فروشنده از قصد خریدار (خرید تفنگ برای پسرش) مطلع بود. لذا مبادرت به توصیف خلاف واقع متعاقب از ناحیه وی (توصیف سلامت

تفنگ) موجب ضمان او نسبت به پسر مصدوم حسب رای دادگاه بر مبنای توصیف خلاف واقع گردید.

۴- در توصیف مزبور، ضرورت ندارد که توصیف به صورت مستقیم و در خطاب به شخص مغرور متضرر باشد. بلکه حسب حقوق انگلیس به جهت دفع ثقلب حتی توصیف به صورت غیرمستقیم نیز کافی جهت تحقق مسئولیت شخص توصیف گر می باشد.

۵- برای تحقق عمل توصیف خلاف واقع مزبور، صرف علم شخص توصیف گر به خلاف واقع بودن آن کفایت می نماید و دیگر ضرورت ندارد که قصد ایراد ضرر وی از این حیث احراز گردد.

۶- رابطه سببیت بین توصیف خلاف واقع اشعاری و اعتماد و اقدام و عمل طرف توصیف و به تبع تضرر وی می بایستی وجود داشته باشد. در غیر این صورت فرد طرف توصیف متضرر از مطالبه غرامت بر مبنای توصیف اشعاری حسب حقوق انگلیس محروم می باشد.

۷- اعتماد و اطمینان موضوع شرط اخیرالذکر و به تبع اقدام براساس آن از ناحیه طرف توصیف می بایستی امری متعارف و معقول باشد. لذا اعتماد و اطمینان غیر متعارف (همانند اعتماد به توصیفات شخص معروف به کلاه بردار) مانع مطالبه خسارت از طرف شخص مغرور به لحاظ توصیف مزبور می گردد.

۸- در نهایت، عدم علم طرف توصیف به خلاف واقع بودن توصیف مزبور شرط ضروری دیگر برای تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی حسب حقوق انگلیس می باشد. در غیر این صورت وی بر مبنای تاسیس پذیرش ارادی خطر که همانند قاعده اقدام در حقوق ما می باشد، ممنوع از مطالبه غرامت به لحاظ ضرر وارده می گردد.

### نتیجه گیری

با توجه به بررسیهای بعمل آمده باید گفت که بین نهاد حقوقی غرور موجد مسئولیت مدنی در حقوق ایران و توصیف خدعه آمیز حقوق انگلیس عمدتاً وجوه اشتراک و افتراق بشرح ذیل موجود می باشد:

#### الف- وجوه اشتراک

۱- در هر دو نهاد مذکور جهل به واقع امر (واقعه غرور آمیز یا توصیف خلاف واقع) شرط اساسی برای مطالبه غرامت از ناحیه شخص متضرر می باشد.



۲- رابطه سببیت بین غرور (یا توصیف خلاف واقع) و ضرر وارده به شخص مغرور یا طرف توصیف در حقوق ایران بطور تام و در حقوق انگلیس بالنسبه شرط ضروری جهت مطالعه غرامت از سوی زیان دیده می‌باشد.

۳- در حقوق انگلیس سکوت مبین توصیف خلاف واقع در حالت استثنایی می‌تواند موجب مسئولیت مدنی برای شخص توصیف کننده شود. در حقوق ما نیز به نظر می‌رسد با توجه به قاعده سکوت محفوف به قراین این دیدگاه نیز صحیح باشد.

۴- در هر دو سیستم، وجود قصد اضرار از ناحیه شخص غار یا توصیف کننده شرط ضروری برای مطالبه غرامت از وی نمی‌باشد.

#### ب- وجوه افتراق

۱- در حقوق ایران با توجه به توضیحات پیشین، علم یا جهل شخص غار نسبت به غرورآمیز بودن واقعه تاثیری در مقوله ضمان وی ندارد. زیرا همان طور که قبلاً گفته شد، صرف وجود رابطه و سببیت بین عمل غار و تحقق فریب موجب ضرر، کفایت از جهت مسئولیت مدنی او می‌نماید. لذا علم یا جهل وی در این خصوص فاقد تاثیر می‌باشد. اما در حقوق انگلیس شخص توصیف کننده فقط در صورتی مسئول است که به خلاف واقع بودن توصیف ابرازی عالم باشد.

۲- در حقوق انگلیس وجود قصد نسبت به اشخاص طرف توصیف از طرف شخص توصیف کننده یک شرط ضروری محسوب می‌شود و به دو صورت قصد صریح یا ضمنی (علم به شخص طرف توصیف) می‌باشد. در حالی که در حقوق ما قطع نظر از وجود قصد یا عدم آن از ناحیه شخص غار، به نظر می‌رسد صرف وجود رابطه سببیت عرفی بین عمل غار و ورود فریب موجب ضرر کافی از جهت ضمان وی می‌باشد.

۳- در حقوق انگلیس در توصیف رابطه سببیت فوق الذکر یک مفهوم موسع لحاظ می‌شود. بدینسان که صرف دخالت توصیف مزبور به عنوان یکی از عوامل مهم (نه تنها عامل مهم و اساسی) در تحقق ضرر طرف توصیف وافی جهت امر ضمان مشخص توصیف کننده می‌باشد. در حالیکه در حقوق ما به نظر با توجه به مفهوم رابطه سببیت می‌بایستی دخالت عمل شخص مسبب غرور به گونه‌ای باشد که از نظر عرف آن علت ورود خسارت به شخص مغرور می‌باشد.

۴- ضمان غرور در حقوق انگلیس علی القاعده، به صورت فعل ایجابی می‌باشد ( صرف نظراز بحث سکوت) ولیکن در حقوق ایران با توجه مطالب پیشین، می‌تواند به صورت ترک فعل هم متجلی گردد.

### فهرست منابع

#### - فارسی

- اوصیا، پرویز (۱۳۸۱)، مقاله تدلیس، **تحولات حقوق خصوصی (مجموعه مقالات)**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- بجنوردی، میرزا حسن (۱۳۸۶)، **القواعد الفقهیه**، انتشارات، منشورات دلیل ما، چاپ سوم.
- جبران مسعود، (۱۳۷۹) **فرهنگ رائد الطلاب**، موسسه انتشارات یادواره کتاب.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، الفارق، ج ع، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران.
- حسینی مراغی، میر فتح (۱۴۲۹ ه ق.) **العناوین**، موسسه النشر الاسلامی.
- حکیم، سید محسن، (بی تا)، **نهج الفقاهه**، انتشارات ۲۲ بهمن، قم.
- خمینی، روح الله (۱۴۱۵ ه. ق.)، **البیع**، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ پنجم.
- داراب پور، مهرباب (۱۳۸۷)، **مسئولیت مدنی خارج از قرارداد**، انتشارات مجد. تهران.
- درویش خادم، بهرام (۱۳۸۴)، **تدلیس**، انتشارات نگاه بینه.
- روحانی، سید محمد صادق، (۱۴۱۸ ه ق.)، **منهاج الفقاهه**، انتشارات باران، چاپ چهارم.
- روحانی، سید محمد صادق، (۱۴۱۲ ه ق.)، **فقه الصادق**، انتشارات العلمیه، چاپ سوم .
- الشرتونی، علامه سعید، **فرهنگ اقرب الموارد**، بی تا.
- علامه بن منظور، **لسان العرب**، نشر ادب الحوزه، قم ۱۴۰۵ ه ق- ۱۳۶۳ ه ش
- فیروز آبادی، مجد الدین محمد ابن یعقوب، ( ۱۴۲۹ ه ق.)، **القاموس المحیط**، انتشارات دارالفکر بیروت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، **الزام های خارج از قرارداد**، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، تهران.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۴)، **قواعد فقه** (بخش مدنی) انتشارات سمت، تهران.
- مصطفوی، سید محمد کاظم، **القواعد (الماء القاعده الفقهیه)** انتشارات نشر اسلامی.
- نجفی، شیخ محمد حسن، (سال ۱۳۸۵)، **جواهر الکلام**، ناشر، دارالکتب الاسلامیه.

#### - لاتین

- C.F. Padifield, et al (1975), **law made simple**, Londen W.H. Allen -
- Elizabet, A. martin (1990) , **A concise Dictionary of law** oxford univercity peres
- Gohn, Adams et. al.(1988), **understanding contract law** , Fontana press
- Harvey , MC Gregor(2003) , **MC Gregor damage** , Sweet Maxwell
- W. page Keeton et al( 1984) , **prosser and Keeton on the law of tort** , west publishing co
- W. V . H Rogers(1994), **Winfield and Jolowicz on tort** , Sweet & Maxwell